



«تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیه قم»

با رویکرد آموزشی و پژوهشی

علی اکبر زهره کاشانی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه ع.ا.ع.



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۴

زهره کاشانی، علی اکبر، ۱۳۳۹ -
تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیه قم (با رویکرد آموزشی و پژوهشی) / علی اکبر زهره کاشانی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
دوازده، ۳۵۶ ص.: جدول، نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۳۳: علوم تربیتی؛ ۴۱)
بها: ۱۳۸۰۰۰ ریال
ISBN: 978-600-298-056-4
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
کتابنامه: ص. [۳۳۱]-۳۳۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نماینه.
۱. حوزه علمیه قم - تاریخ. ۲. قم - تاریخ. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
BP۷/۴۷/ز۹ت۲ ۱۳۹۴ ۲۹۷/۰۷۱۰۵۵۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی ۳۶۹۶۶۲۶



تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیه قم (با رویکرد آموزشی و پژوهشی)
مؤلف: علی اکبر زهره کاشانی (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه علیه السلام)
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۳۳۳؛ علوم تربیتی: ۴۱)
ویرایش و صفحه آرایی: اعتصام
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴
تعداد: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۱۳۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر:
۳۷۱۸۵-۳۱۵۱-ص.پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰
فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه کرده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی و تاریخ تشیع در مقطع کارشناسی ارشد در درس‌هایی مانند تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و تاریخ حوزه‌های علمیه و همچنین به عنوان منبع مطالعاتی برای دانشجویان رشته علوم تربیتی با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی در درس‌هایی مانند نظام‌های آموزشی دینی و مطالعات تطبیقی نظام‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. مطالعه این کتاب را به طلاب حوزه‌های علمیه شیعی و به‌ویژه طلاب حوزه علمیه قم سفارش می‌کنیم. پیشنهاد می‌شود مطالعه این کتاب به عنوان دروس جنبی حوزه علمیه قم قرار گیرد. امید است علاوه بر جامعه حوزوی و دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های نویسنده گرامی، آقای علی اکبر زهره‌کاشانی و نیز از راهنمایی‌های ارزشمند آیت‌الله علیرضا اعرافی در به ثمر نشستن این پژوهش و همچنین از برادران ارجمند آقایان دکتر محمد داودی و دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی که ارزیابی اثر را بر عهده داشته‌اند سپاسگزاری کند.

دیباچه

پس از حمد و ثنای الهی و درود بیکران بر پیامبر رحمت و رأفت خاتم الأنبياء حضرت محمد مصطفی ﷺ و خاندان پاک و مطهرش (علیهم السلام)؛ حوزه مقدس علمیه قم به عنوان یک نهاد تعلیم و تربیت دینی در طی تاریخ دیرینه اش صدها شخصیت و چهره علمی و دینی جهان تشیع را به خود دیده و توانسته است صدها هزار دانشمند و فاضل فرهیخته و روحانی دینی را پس از تحصیل در آن به جامعه اسلامی و شیعی تحویل دهد. در موارد بسیاری تغییرات و تحولات جهان اسلام و ایران تحت تأثیر بزرگان و تحصیل کردگان این حوزه بوده است. به عنوان یکی از شاخص ترین تحولات در سده اخیر، انقلاب اسلامی و برقراری حکومت جمهوری اسلامی در ایران به شکل غیرقابل انکاری تحت تأثیر جدی شخصیت های برجسته و تربیت یافتگان این حوزه اهل بیت (علیهم السلام) بوده است. نوشتار حاضر درصدد است با مروری بر تاریخ ۱۲۰۰ ساله و نظام آموزشی و پژوهشی کهن حوزه به شناساندن آن به علاقه مندان این حوزه دست یازد. امید است این اثر توانسته باشد گامی هرچند کوچک در راه معرفی حوزه علمیه قم به جهانیان و نمایش عظمت این حوزه دیرپا برداشته باشد. پیشاپیش از خوانندگان محترم، خصوصاً حوزویان و اهل نظری که نگارنده را از تذکرات اصلاحی و تکمیلی خود محروم نمی سازند، سپاسگزاری می شود.

در پایان بر خود فرض و مسلم می دانم از استاد فرزانه حضرت آیت الله علیرضا اعرافی که از جهات عدیده بر این جانب حقوق بزرگی دارند، به خصوص به دلیل راهنمایی های سودمند و خردمندانه و نیز تشویق های ایشان در تدوین این اثر، سپاس و تشکر و از خداوند منان برای ایشان توفیقات روزافزون آرزو نمایم.

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	۱
-----------------	---

فصل اول: کلیات

پیش‌گفتار.....	۵
محدوده و قلمروی موضوع.....	۵
مفهوم‌شناسی.....	۶
پیشینه و ضرورت تحقیق.....	۸

فصل دوم: شهر قم

پیشینه تاریخی شهر قم.....	۱۵
قم و اشعریان.....	۱۷
ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قم.....	۲۱
بارگاه حضرت معصومه علیها‌السلام	۲۴
قم در آینه روایات.....	۲۵

فصل سوم: سده‌های دوم تا چهارم – دوره شکل‌گیری حوزه

زمینه‌های تأسیس حوزه.....	۳۱
تأسیس حوزه.....	۳۳
ویژگی این دوره.....	۴۱
دانشمندان حوزه.....	۴۴
جمعیت حوزه.....	۴۵

۴۷	 آثار علمی حوزه
۵۵	 ارتباطات علمی حوزه
۵۹	 مرجعیت علمی حوزه
۶۰	 آموزش

فصل چهارم: سده‌های پنجم تا سیزدهم – دوره حیات حوزه

۶۳	 ویژگی‌های این دوره
۶۴	 سده‌های پنجم و ششم
۶۵	 دانشمندان حوزه
۶۵	 قطب‌الدین سعیدبن‌هبةالله الراوندی
۶۶	 محمدبن حسن طوسی
۶۶	 مدارس حوزه
۶۸	 سده‌های هفتم تا نهم
۶۹	 مدارس حوزه
۶۹	 مدرسه رضویه
۷۰	 مدرسه غیاثیه
۷۱	 سده‌های دهم و یازدهم
۷۲	 ملاصدرا و حوزه
۷۶	 فیاض و حوزه
۷۶	 زندگی‌نامه فیاض
۷۸	 حوزه فلسفی قم
۸۰	 مدارس حوزه
۸۱	 مدرسه فیضیه
۸۳	 مدرسه دارالشفاء
۸۴	 مدرسه مؤمنیه
۸۵	 مدرسه جانی خان
۸۵	 مدرسه مهدی قلی خان
۸۶	 سده‌های دوازدهم و سیزدهم
۹۱	 میرزای قمی و حوزه
۹۳	 زندگی‌نامه میرزای قمی
۹۴	 مدارس حوزه

مدرسه حاج ملا محمد صادق.....	۹۵
مدرسه مادرشاه.....	۹۵
آموزش.....	۹۵

فصل پنجم: دهه‌های میانی سده چهاردهم – دوره تجدید حیات حوزه

دوره آیت الله حائری.....	۱۰۰
مقدمه.....	۱۰۰
زمینه‌های تجدید حیات حوزه.....	۱۰۱
آیت الله حائری و تجدید حیات حوزه.....	۱۰۳
تأسیس یا تجدید حیات.....	۱۰۵
زندگی نامه آیت الله حائری.....	۱۰۶
صیانت حوزه در برابر سیاست دین زدایی.....	۱۱۰
مدیریت آموزشی و پرورشی آیت الله حائری.....	۱۱۴
دانش آموختگان حوزه.....	۱۱۶
شهریه دانش آموختگان.....	۱۱۶
دوره آیات ثلاث.....	۱۱۷
مقدمه.....	۱۱۷
آیات ثلاث و جانشینی آیت الله حائری.....	۱۱۸
زندگی نامه آیات ثلاث.....	۱۲۰
سید صدرالدین صدر.....	۱۲۰
سید محمد حجت کوه کمره ای.....	۱۲۲
سید محمد تقی خوانساری.....	۱۲۵
صیانت حوزه در برابر سیاست دین زدایی.....	۱۲۶
دانش آموختگان حوزه.....	۱۲۸
شهریه دانش آموختگان.....	۱۲۸
دوره آیت الله بروجردی.....	۱۳۱
مقدمه.....	۱۳۱
آیت الله بروجردی و حوزه.....	۱۳۱
زندگی نامه آیت الله بروجردی.....	۱۳۴
امام خمینی و زعامت آیت الله بروجردی.....	۱۳۷
اصلاحات حوزه.....	۱۴۰

۱۴۲		تحولات حوزه
۱۴۳		۱. احیای آثار
۱۴۳		۲. احیای مدارس
۱۴۴		۳. احیای کتابخانه‌ها
۱۴۵		۴. احیای تبلیغ
۱۴۷		اساتید حوزه
۱۴۸		دانش‌آموختگان حوزه
۱۵۰		شهریه دانش‌آموختگان
۱۵۱		آثار علمی حوزه
۱۵۱		آموزش
۱۵۱		برنامه آموزشی
۱۵۲		برنامه درسی
۱۵۵		مدارس حوزه
۱۵۶		مدرسه حجتیه
۱۵۷		مدرسه حاج سیدصادق
۱۵۷		مدرسه ستیه

فصل ششم: ربع آخر سده چهاردهم و ربع اول سده پانزده دوره شکوفایی حوزه

۱۶۰		دوره آغاز انقلاب اسلامی تا پیروزی
۱۶۵		جریان‌های تاریخی حوزه
۱۷۳		زندگی‌نامه امام خمینی رحمته الله
۱۸۶		امام خمینی و حوزه
۱۸۷		دوره پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون
۱۸۸		اصلاحات حوزه و رهبران
۱۹۱		تحولات حوزه
۱۹۴		فهرست مدارس
۲۱۹		ویژگی این دوره

فصل هفتم: تحولات حوزه علمی قم

۲۲۱		مقدمه: سرپرستی حوزه
۲۲۲		شورای عالی و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۲۲۷		جامعة المصطفى ﷺ العالمية
۲۲۹		جامعة الزهراء ﷺ
۲۳۰		آشنایی با شورای عالی حوزه‌های علمیه
۲۳۱		مستندات
۲۳۱		اساسنامه شورای عالی حوزه علمیه قم
۲۳۶		ساختار سازمانی دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه
۲۳۷		ساختار سازمانی حوزه مدیریت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
۲۳۷		آیین نامه آموزش غیرحضوری
۲۴۱		آمار و ارقام
۲۴۴		آشنایی با جامعة المصطفى ﷺ العالمية
۲۴۵		مستندات
۲۴۵		ساختار و تشکیلات
۲۴۵		ارزش‌های اساسی
۲۴۶		آموزش
۲۴۶		ابعاد مفهومی آموزشی
۲۴۷		انواع واحدهای آموزشی و تربیتی داخل کشور
۲۴۷		نمایه واحدهای داخل کشور
۲۴۸		انواع واحدهای آموزشی و تربیتی خارج از کشور
۲۴۸		تعداد واحدهای آموزشی تربیتی خارج کشور به تفکیک نوع واحد و قاره
۲۴۸		پذیرش
۲۴۸		دوره‌های تحصیلی
۲۴۹		تعداد رشته‌های تحصیلی
۲۴۹		دوره‌های بلندمدت
۲۵۲		دوره‌های کوتاه مدت
۲۵۲		دوره فرصت مطالعاتی
۲۵۲		دوره‌های آموزشی غیرحضوری
۲۵۳		دوره‌های آموزشی قرآنی
۲۵۳		دوره‌های آموزشی کاربردی
۲۵۳		دوره‌های آموزشی پودمانی منابع انسانی
۲۵۳		شیوه‌های جذب و پذیرش
۲۵۴		شرایط پذیرش

۲۵۶	اولویت‌های پذیرشی
۲۵۶	تسهیلات و خدمات
۲۵۸	مراحل پذیرش
۲۵۸	آمار و ارقام
۲۶۲	آشنایی با جامعة الزهراء (ع)
۲۶۲	مستندات
۲۶۲	روزشمار آموزش در جامعة الزهراء (ع)
۲۶۳	اهداف و وظایف (بخشی از اساسنامه)
۲۶۵	نمودار تشکیلاتی جامعة الزهراء
۲۶۶	معاونت‌ها
۲۷۰	دوره‌های تحصیلی
۲۷۰	دوره سطح سه تحصیلات تکمیلی حضوری
۲۸۰	دوره عمومی غیرحضوری
۲۸۷	دوره عمومی
۲۹۳	برنامه‌های جاری آموزشی جامعة الزهراء (ع)
۲۹۴	واحدهای آموزشی وابسته
۲۹۵	آمار و ارقام
۳۲۵	سخن پایانی
۳۳۱	منابع و مأخذ

نمایه‌ها

۳۳۷	نمایه روایات
۳۳۹	نمایه اشخاص
۳۵۰	نمایه موضوعات (کتابخانه‌ها، مدارس و حوزه‌ها)
۳۵۵	نمایه اماکن

سخن آغازین

«أَيُّ بَنَى إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمُرْتُ عُمَرُ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَسَوَّيْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّى عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمُرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَحِيلَهُ وَتَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَصَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ»^۱

پسرکم! هرچند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما در کارهای ایشان نگریستم و در سرگذشت‌هایشان اندیشیدم و آثاری را که از آنان برجای مانده ملاحظه نمودم، به گونه‌ای که یکی از ایشان شدم (و در برهه‌ای از زمان، عمرم را با ایشان سپری کرده‌ام). بلکه با آگاهی که از احوال ایشان کسب کردم گویی با تمام آنان، از نخستین تا آخرینشان، زندگانی کرده‌ام. از این‌رو، از میان اخبار آنان صحیح را از مشتبه و آموزنده را از زیانبار بازشناختم. سپس از میان همه آنها نکات سازنده و نیکو را برایت برگزیدم و آنچه را که ناشناخته و گمراه‌کننده بود از دسترس تو دور نگاه داشتم».

۱. حوزه علمی قم در ایران به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دینی، از میان حوزه‌های علمی اسلامی در گستره جهان، مانند حوزه‌های یمن، حجاز، عراق، شام، مصر، اندلس، اسپانیا، ماوراء النهر، ترکستان، ترکیه، قفقاز، هند، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، چین، مالزی، افغانستان و غیره،^۲ و به خصوص در حوزه‌های علمی شیعی از اهمیت بسزایی در دنیای معاصر برخوردار است. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها، چهره‌ها و روحانیان فرهیخته و آزاداندیش اثر و نقش چشمگیری در حفظ، رشد و درخشش اسلام و تشیع در جهان داشته است. با وجود این، اطلاعات دقیق، مستند و مستقلی درباره تاریخ حیات آن و به‌ویژه نسبت به پیشینه و تاریخ

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. صافی گلپایگانی، سیر حوزه‌های علمی شیعه، ص ۱۲.

پیدایی آن وجود ندارد. این تحقیق درصدد بازیابی و کاوش در «قدمت» و بررسی و بازگو کردن «تاریخ» این حوزه مقدّس و مهم است.

۲. تاریخ لذت‌بخش است و باعث تحریک اندیشه می‌شود. تاریخ حس کنجکاوی انسان را تا حدود زیادی ارضا می‌کند. ولی این مقدار به تنهایی تلاش انسان را برای بررسی‌های تاریخی توجیه نمی‌کند. هر عملی باید دلیل محکم عقلانی و منطقی داشته باشد. تاریخ نسبت به گذشته معنا و مفهوم دارد، اما گذشته گذشته است. آنچه به خودی خود اهمیت دارد «حال» و «آینده» است. حال دورانی است که در آن زندگی می‌کنیم و آینده ظرف زمانی‌ای است که در آن به سر خواهیم برد. پس چرا باید با این جدیت و در این حجم، از گذشته سخن بگوییم؛ دلیل عقلانی مباحث تاریخی چیست؟

تاریخ، در زندگی فردی و جمعی، معلّم زندگی انسان است. اگر انسان دورانی را که در آن زندگی می‌کند بشناسد، بهتر می‌تواند به اهداف خود برسد و اگر آینده را تا حدودی پیش‌بینی کند، می‌تواند برنامه‌های زندگی خود را به گونه‌ای طراحی نماید که زودتر به آرزوهای خود دست یابد. و این دو (شناسایی حال و پیش‌بینی آینده) تا حدود زیادی از طریق مطالعه تاریخ میسر می‌شود.

تاریخ همچنان برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران امور مردم، در هر سطحی و زمینه‌ای، بسیار مفید است. چون به آنها «می‌آموزد» از گذشته «بیاموزند» و در راه آینده از آن «بهره» گیرند. تاریخ به ایشان شخصیت‌ها، اندیشه‌ها و تصمیمات تاریخی را می‌شناساند و نقاط مثبت و منفی آن را بر آنها ظاهر می‌سازد.

خلاصه آنکه، تاریخ را باید به‌منظور پل زدن از گذشته به آینده مطالعه کرد. گرچه تاریخ حدیث دیروز است، ولی حدیث دوام و استمرار فرداست. با مطالعه تاریخ باید درصدد روشنگری اندیشه بود و از درون آن دورنمای آینده را جستجو کرد؛ زیرا «وَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»^۱.

برای چنین منظوری، نخست، باید به علل پیدایش وقایع توجه کافی کرد. رخدادها و موضوعات را در ظرف زمانی خود مطالعه کرد و به شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

و سایر زمینه‌ها در آن زمان بذل عنایت کرد؛ چه اینکه وقایع تحت شرایط زمانی و مکانی معینی زاینده و نشو و نما می‌کنند. به عبارت دیگر، قطع نظر از اینکه برای کدام‌یک از شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... اصالت قائل شویم، شرایط و موقعیت‌ها نقش مؤثری در سازندگی تاریخ دارند. مبنا و پایه تاریخ عبارت است از: امور فرهنگی، سیاسی و سایر اموری که مردم با آن زندگی می‌کنند؛ دوم، باید در نگاه به تاریخ بیشتر به نقاط مؤثرتر و نتیجه‌بخش‌تر نظر داشت. بنابر فرمایش امیرمؤمنان (علیه السلام): «فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَذَرِهِ وَ نَفَعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَهُ وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَهُ» باید قسمت‌های روشن و شیرین آن را از بخش‌های تیره‌اش بازشناخت؛ بخش سودمند آن را از دوران زیانبارش متمایز ساخت، سپس نکات مهم و ارزشمند آن را آموخت و به کار بست و در تحولات و اصلاحات آینده از آن بهره برد.

۳. تاریخ نظام آموزش و پرورش حوزوی، مانند تاریخ هر نظام آموزش و پرورش دیگری، به سهم خود پیام‌ها و درس‌هایی دارد که باید به آنها توجه کرد و از آن آموخت. سعی ما در به قلم کشیدن تاریخ این نظام مقدس در کتاب حاضر این است که به یاری خداوند متعال و با استعانت از یگانه خلیفه الهی، حضرت ولی عصر (علیه السلام)، از رهگذر آن به نتایج عملی مفیدی، هرچند جزئی و ناچیز، نایل شویم. این وظیفه همه مسئولان، دست‌پروردگان و علاقه‌مندان به حوزه است که با مطالعه عمیق تاریخ آن، آینده آن را پیش‌بینی و با پیشامدهای ناخواسته مبارزه و از پیشامدهای مطلوب استقبال کنند؛^۱ بلکه با بررسی دقیق تاریخ آن، آینده حوزه را آن‌گونه که دلخواه است رقم بزنند و آن‌گونه که مطلوب است بسازند. به‌ویژه آنکه در دو دهه گذشته بحث اصلاحات حوزه جدی‌تر و فراگیرتر شده است. با نگاه به گذشته حوزه و فراز و فرودهای آن، می‌توان آینده‌ای روشن‌تر و پرامیدتر برای آن تصویر کرد. همچنین، با طراحی و برنامه‌ریزی صحیح و اصولی، حوزه‌ای پویاتر، کامل‌تر و پررونق‌تر ساخت. از این‌رو، در اینجا افزون‌بر مباحث تاریخی، نوعی نگرش به آینده حوزه خواهیم داشت و نسبت به اصلاحات حوزه و روش‌های اصلاحی آن در آینده نکاتی ارایه خواهد شد.

۱. الإمام علی (علیه السلام): مَنْ اسْتَقْبَلَ الْأُمُورَ أَبْصَرَ. مَنْ اسْتَدْبَرَ الْأُمُورَ تَحَيَّرَ؛ هر که از پیش به استقبال کارها رود با بینش و آگاهی با آنها روبه‌رو می‌شود، و هر که به آنها پشت کند و خود را برای روبه‌رویی با آنها آماده نسازد، در تدبیر و کنترل آن سرگردان می‌ماند (شرح خوانساری بر غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۷۸۰۲ و ۷۸۰۳).

۴. هر نظام آموزشی و پژوهشی، از جمله حوزه علمیه قم، ارکان و ابعاد مختلفی دارد که باید ضمن مباحث پیدایی و فراز و فرودهای تاریخی این نظام، به آنها نیز توجه کرد، مواردی نظیر مدیریت، اقتصاد، مواد آموزشی، استادان، دانش‌آموختگان، مدرسه‌ها و مکان‌های آموزش، اجرت و شهریه، روش تدریس، روش ارزشیابی، پژوهش‌ها و آثار آن. افزون بر این، نمی‌توان از زندگی‌نامه علمی مؤسسان، رهبران و شخصیت‌های بزرگ و صاحب نفوذ حوزه در هر دوره چشم‌پوشی کرد. جنبه‌هایی از زندگانی ایشان که به ایده‌های آموزشی، پرورشی و پژوهشی و نیز تصمیم‌ها و سیاست‌های مدیریتی و آموزشی آنان اشاره دارد برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد. مسلماً از میان موضوعات یادشده، آنان که در هر دوره از تاریخ حوزه دارای شواهد هستند و تاریخ نسبت به آنها ساکت نمانده قابل بازگفتن است.

فصل اول

کلیات

پیش‌گفتار

محدوده و قلمروی موضوع

در هیچ تحقیقی، گریزی از تعریف و تحدید موضوع و قلمرو نیست. این مهم از آن سبب لازم است که در روند تحقیق از سردرگمی و انحراف از موضوع جلوگیری شود و به‌جای ساحل‌پیمایی و پراکنده‌کاری به عمق مسئله وارد شده و در پرتوی آن افق‌های جدید و زوایای تاریکی از جنبه‌های مهم موضوع گشوده شود.

در اینجا، حوزه علمیّه قم، نه به‌عنوان سازمان یا صنف روحانیت با اهداف، رسالت‌ها و کارکردهای تبلیغی، سیاسی، اجتماعی و غیر آن، بلکه به‌عنوان یک نظام مستقل با کارکردهای آموزشی، پرورشی و پژوهشی مدّ نظر است. طلاب به‌عنوان محصلان و دانش‌پژوهان ورودی این نظام تلقی می‌شوند و روحانیون و شبه‌روحانیون فرهیخته نیز خروجی‌های آن را تشکیل می‌دهند.

هنگامی که از تاریخ حوزه سخن می‌گوییم، تاریخ آن را از تأسیس تاکنون از ذهن‌مان می‌گذرانیم و هدف‌مان فقط موشکافی و بیان جزئیات حوزه معاصر نیست. ما حوزه علمیّه قم را با پیشینه و قدمت طولانی (حتّی طولانی‌تر از حوزه مقدّس نجف) با مراحل و مقاطع متعددی می‌بینیم که تاریخ حوزه کنونی فقط مقطعی (البته مقطع اخیر) از تاریخ آن را می‌سازد. همچنین، حوزه معاصر را به‌عنوان یک کل و واحد یکپارچه و گسترده که دارای ارکان و

بخش‌های متعدد و مهم است در نظر می‌گیریم و هیچ‌یک از آن ارکان و اجزای مهم را به تنهایی حوزه قم نمی‌انگاریم. از این‌رو، شورای عالی مدیریت حوزه با مدیریت‌های زیر مجموعه‌اش، جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمية و جامعة الزهراء علیه السلام را اجزای سازنده حوزه معاصر می‌بینیم و هیچ‌کدام را مستقلاً حوزه و سایر اجزا را ملحقات و حواشی آن تلقی نمی‌کنیم. بدیهی است مدارس و مراکز آموزشی و پژوهشی زیر مجموعه هر یک از این ارکان که در خارج از شهر قم قرار دارند، مشمول حوزه قم نخواهند بود؛ هرچند در گزارش‌های بعدی، از نظر آماری و غیرآماري، این مراکز از مراکز مستقر در قم قابل تفکیک نباشند.

حیات طولانی حوزه علمیه قم با قلمروی یادشده، فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است. شناخت این مسیر و ویژگی‌های آن را «تاریخ تعلیم و تربیت» بر عهده دارد. «تاریخ تعلیم و تربیت» رشته‌ای واسطه میان دو دانش تعلیم و تربیت و تاریخ است. از این‌رو، تحقیق حاضر را باید از تحقیقات میان‌رشته‌ای به حساب آورد که مشکلات و اقتضائات خاص خود را دارد.

مفهوم‌شناسی

تاریخ: به وقایعی که در گذشته روی داده و یا آنچه درباره چگونگی و زمان وقوع و علل و موجبات آنها ثبت شده است تاریخ گویند.

حوزه: «حوزه» در لغت به معنای ناحیه، مرکز و مجتمع می‌باشد. از همین باب است: حوزه انتخابات، حوزه قضایی و حوزه درس.^۱

علمیه: مؤنث علمی و صفت است و برای نسبت یک شیء به علم به کار می‌رود. وجه این نسبت بر اساس موصوف متفاوت است؛ وجه نسبت درباره کتاب می‌تواند محتوای علمی آن و درباره پژوهش روش علمی آن باشد. درباره حوزه‌های علمیه، برگزاری جلسات و مباحثات علمی مجوز چنین نسبتی است.

بنابر آنچه گفته شد، عبارت «حوزه علمیه»، لغتاً و به طور عام، می‌تواند به هر مرکزی که عالمان و طالبان علم در آن گرد آمده و به تدریس و تحصیل علم و دانش اشتغال دارند اطلاق شود.^۲ اما این عبارت در اصطلاح و به طور خاص به محل اجتماع عالمان «دینی» و فراگیران

۱. لغت‌نامه دهخدا، مدخل «حوزه».

۲. همان، مدخل «علمیه».

علوم «دینی» با مذهب تشیع اثنی عشری گفته می شود که آن اجتماع برای ترویج و تعلیم دین تشکیل شده باشد. برای سایر مذاهب اسلامی از اصطلاحات دیگری همچون «مدرسه» استفاده می شود و برای ادیان دیگر تعبیری همچون Seminary به کار می رود.

در این تعریف نکات و عناصر زیر نهفته است:

۱. وجود تعدادی از دانشمندان و طالبان دینی شیعی امامیه در یک مکان (به حدی که اطلاق مرکز و محل اجتماع بر آن صحیح باشد). در برهه هایی از تاریخ مشاهده شده است وجود یک دانشمند بزرگ، به تنهایی، عامل برگزاری جلسات علمی، مباحثات دینی و تشکیل حوزه علمیه بوده است. با این حال، حضور تعداد قابل توجهی از فراگیران برای احراز عنوان «حوزه» اجتناب ناپذیر است؛

۲. وجود بالفعل جلسات و مباحثات علمی و برگزاری کلاس های تدریس و تدرّس برای انتقال مفاهیم و آموزه های علوم دینی. در غیر این صورت، وصف «علمیه» برای «حوزه» و انتساب «حوزه علمیه» به آن مکان صحیح نمی باشد. اما برگزاری این جلسات در تمام ساحت های علوم دینی برای درستی انتساب این صفت ضروری نمی نماید، بلکه برگزاری مباحثات علمی در تعداد محدودی از علوم دینی برای این امر کافی است؛

۳. وجود هدف الهی (نشر و تعلیم دین) از تشکیل آن اجتماع. در غیر این صورت، حتی اگر دو ویژگی قبلی موجود و محقق باشند، اصطلاحاً به آن حوزه علمیه نگویند. بدون چنین هدفی آن مرکز، دانشگاه و نهادی آموزشی خواهد بود که در آن دروسی از نوع دروس حوزه تدریس، املاء و القاء می شود، مثل دروس رشته الهیات، فلسفه و یا عرفان اسلامی در دانشگاه ها. از این رو، در اطلاق «دانشگاه» بر «حوزه» نوعی تسامح است. به فراگیران حوزه های علمیه طلبه می گویند و به محصلین دانشگاه ها دانشجو.

اینکه محل تدریس چگونه (کوچک یا بزرگ) و کجا (مدرسه، حسینیه یا مسجد) باشد، محل خاصی برای اساتید و طلاب در نظر گرفته شده باشد و یا خیر، وسایل کمک آموزشی داشته باشد و یا خیر و جنبه های دیگری از مکان های آموزشی امروزی، دخالتی در اطلاق این اصطلاح ندارد. مکان آموزش می تواند در هر جایی باشد، مثل امامزاده و حتی منزل استاد یا منزل یکی از طلاب. ملاک تعداد، فعالیت و قصد تبلیغ و ترویج دین الهی از تعلیم و تعلّم است.

پیشینه و ضرورت تحقیق

بنابر آنچه در این نوشتار خواهد آمد، حوزه علمیه قم قدمتی بس طولانی دارد، به گونه‌ای که جمعی از اصحاب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در آن سمت استادی داشته‌اند. با توجه به این پیشینه تأسیس و همچنین با عنایت به اطلاعات موجود درباره پیشینه حوزه معاصر، بیش از ۱۲۰۰ سال قمری از تأسیس حوزه علمیه نخست و حدود ۹۰ سال از تأسیس حوزه علمیه معاصر در قم می‌گذرد. ولی با کمال تأسف، بنابر اطلاعات نگارنده، تاکنون به شکل مستقل اثر منسجم و مهمی درباره تاریخ آن به چاپ نرسیده است. البته کوشش‌هایی در این راستا صورت گرفته است، از جمله مقالاتی چاپ و مطالبی در آثار مرتبط تنظیم شده است. با این حال، این مقالات و آثار به شکل پراکنده، گذرا، غیرمستقل و احیاناً سطحی تاریخ حوزه علمیه قم را ورق زده‌اند. بدیهی است تاریخ کامل یا نسبتاً کاملی از نهادی با قدمتی طولانی و حایز اهمیت فراوانی همچون حوزه قم به شکل شایسته و بایسته در یک مقاله یا نوشتار کوتاه نمی‌گنجد. همچنین، تاریخ این حوزه مقدس، با جنبه‌های آموزشی و پژوهشی‌اش را نمی‌توان به شکل غیرمستقل و در ضمن مباحث دیگری مانند «تاریخ قم»، «تاریخ تشیع»، «شرح حال رجال حدیثی و بزرگان»، «سازمان روحانیت» و «نظام حوزه» به گونه‌ای درخور بررسی کرد.

از جمله این کوشش‌ها مقالات پراکنده‌ای است که در مجلات آیین اسلام، پرچم اسلام، و خواندنی‌ها به قلم نویسندگان حوزوی و یا کسانی که حوزه را از نزدیک مشاهده کرده‌اند نوشته شده است. همچنین، مقالات یا مصاحبه‌هایی که در دهه‌ها عنوان از مجلات و نشریات حوزوی و غیرحوزوی، مانند مکتب اسلام، نور علم، حوزه، پژوهش در حوزه، پگاه حوزه، یاد و غیر آن به چاپ رسیده است.

به‌طورکلی، در این آثار، از شاگردان آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت‌الله سیدحسین بروجردی یا از شاگردان معاصران ایشان یا از افراد دیگری که کمابیش از نزدیک شاهد رخدادها و تحولات حوزه بوده‌اند، از زوایای مختلف به نقل تاریخ پرداخته‌اند. برخی ناقلان در قالب شرح حال اشخاص و رجال دینی، انقلابی، سیاسی و حکومتی قلم بر کاغذ ساییده یا لب به سخن گشوده‌اند و برخی دیگر ذیل بحث تاریخ شهر مقدس قم تاریخ را بازگو کرده‌اند. از اینان که بگذریم، گروهی دیگر نظام حوزه یا سازمان روحانیت را توصیف کرده‌اند. کمتر موردی را می‌توان یافت که هدف مستقیم آن ترسیم تاریخ حوزه قم بوده باشد و در آن تاریخ حوزه قم به شکل منسجم و پیوسته بیان و ضبط شده باشد.

غیر از نشریات اشاره شده، کتاب‌هایی نیز به ترسیم برگ‌هایی از درخت تنومند تاریخ حوزه دست یازیده‌اند. کتاب برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیة قم اثر رسول جعفریان که در تابستان ۱۳۸۱ شمسی از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسید، از جمله این کتاب‌ها است. این کتاب شاید تنها اثری باشد که عنوان «اصلی» خود را «تاریخ حوزه علمیة قم» قرار داده است. با این حال، این اثر در واقع مجموعه مقالات همان مجلات آیین اسلام، پرچم اسلام، و خواندنی‌ها است.

به منظور آشنایی با مقالات و مجلات مزبور و محتوای کتاب، فهرست کتاب (با حذف شماره صفحات) چنین است:

«مقدمه

۱. تاریخ تأسیس آخرین حوزه علمیة قم

جشن افتتاح مدرسه حجتیه

۲. مسیر روحانیت در قم

۳. جشن غدیر در دار العلم قم

مدرسین قم

مدارس قم

محضر آیت الله بروجردی

۴. عاشورای قم و اوضاع حوزه علمیة قم

اوضاع حوزه علمیة قم

مدرسین درجه دوم

مدرسین سطوح

وضع معاش دانشجویان اسلامی

۵. زندگی نامه آیت الله سیدصدرالدین صدر

۶. هفتاد و دو روز در قم

منشأ این حرف‌ها چیست؟

اعتراضات روی هوا و هوس استوار شده است

بقای شیعه‌گری بسته به دو چیز است

۱۰ تاریخ حوزه علمیه قم با رویکرد آموزشی و پژوهشی

موکب‌ها باز به راه افتادند

[نظام درسی و تحصیلی] حوزه علمیه قم

[بهای‌ها بدتر از توده‌ای‌ها هستند]

[نادرستی نظریه جدایی دین از سیاست]

[محیط‌های آموزشی بهتر است از سیاست دور باشد]

ماجرای مجله خواندنی‌ها

[رشد حوزه علمیه قم در سایه زعامت آیت‌الله بروجردی]

نواقص باید مرتفع شود

قرآن در اجتماع امروزی ما

اما احترام حکومت‌ها نسبت به قرآن

اما احترام وزارت فرهنگ نسبت به قرآن

قرآن باید در اجتماع ما زنده شود

گردانندگان حوزه علمیه قم توجه فرمایند [ضرورت وجود درس تفسیر در حوزه و تخصصی شدن

رشته‌ها]

چند پیشنهاد [برای اجرای تدریس قرآن در حوزه]

اخلاق و لزوم تدریس آن

زبان عربی و اهمیت آن

[زبان عربی جایگاه گذشته را در میان ما ندارد]

ریاست عامه و مرجعیت تامه

شخصیت آیت‌الله بروجردی

[خدمات علمی آیت‌الله بروجردی]

[کیفیت تدریس آیت‌الله بروجردی]

[طرح تدوین جامع احادیث الشیعه]

[طرح تألیف کتاب رجال]

[انتشار میراث شیعه]

خدمات عمرانی

[بنای مسجد اعظم قم]

تاریخ ساختمان مسجد

نقشه مسجد و هزینه آن

ثروتمندان غیرتمند مسلمان توجه فرمایند

بیمارستان قم

مبارزه با بی دینی و فساد

۷. قم شهر برگزیده دختر باب الحوائج (علیه السلام)

مقدمه

حوزه علمیه قم

مدرسه حجتیه»

تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی با عنوان فرعی تاریخ حوزه علمیه قم کتاب دیگری است که از عنوان «تاریخ حوزه علمیه قم» استفاده کرده است. این اثر تألیف غلامرضا کرباسچی از مرکز اسناد انقلاب اسلامی، منتشر شده در سال ۱۳۸۰ شمسی می باشد. کتاب به طور کلی دارای دو بخش اصلی است: «دوره آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری» و «دوره آیت الله سیدحسین بروجردی». همان گونه که از عنوان کتاب پیداست، اولاً این کتاب نیز مجموعه ای از مصاحبه های شاهدان وقایع تاریخی است؛ ثانیاً با رویکرد تاریخ انقلاب اسلامی به تاریخ حوزه قم پرداخته است. افزون بر نکات یادشده، این دو اثر تاریخ حوزه قم را فقط در دهه های اخیر پوشش داده اند. حتی این مقالات و مصاحبه ها این فاصله زمانی را به شکل پیوسته در بر نمی گیرند؛ بلکه مقاطع مختلف تاریخی را گزارش و تنها برگ های پراکنده ای از تاریخ آن را بازگو می کنند. از این رو، وقایع حوزه قم در آثار مکتوب تاریخی حکم دانه های پراکنده یک تسبیح را دارند که فاقد نظم و نسق لازم برای آثار مکتوب تاریخی منسجم است. اثر ارزشمند دیگری که باید به آن اشاره کرد کتاب آثار الحجة یا اولین دائرة المعارف حوزه علمیه قم اثر محمد شریف رازی است. این اثر که در سه جلد تهیه شده است، اطلاعات ارزشمندی از حوزه قم در عصر آیات حائری، ثلاث (حجت، صدر و خوانساری) و بروجردی در اختیار علاقه مندان می گذارد. لیکن افزون بر محدودیت زمانی تاریخ حوزه در آن، با گرایش شرح حال نگاری دانشمندان حوزه به موضوع پرداخته است.

آخرین اثری که ما در اینجا از آن نام می‌بریم کتاب قیّم حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان اثر سیدعلیرضا سیدکباری از دفتر انتشارات اسلامی است. این کتاب که ما نیز در نگارش این نوشتار از آن بهره برده‌ایم، مستقیماً تاریخ حوزه قم را از قرن‌های اولیه تاکنون بررسی و واکاوی کرده است و شاید نزدیک‌ترین اثر به موضوع تحقیق ما باشد. با این همه، تاریخ حوزه علمیه قم بخش کوچکی از این کتاب است و مؤلف آن را به شکل خلاصه در کنار حوزه‌های شیعی و فراوان دیگر بررسی کرده است.

مؤلف محترم کتاب برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم با وسعت دانش تاریخی‌ای که داشته و با تتبعی که در این زمینه کرده‌اند، طی اظهار نظر درباره آثار مکتوب تاریخ حوزه علمیه قم چنین نوشته‌اند: «... آثار اندکی در این زمینه (تاریخ تأسیس و تحول حوزه) نشر یافته است... در این میان، جسته و گریخته متونی برجای مانده است».^۱

به رغم توجه به آثار الکترونیک، اعم از بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی، به اثر قابل توجهی دست نیافتیم. در بانک‌های اطلاعاتی معتبر و بین‌المللی خارجی هیچ مقاله و اثری که به این موضوع پرداخته باشد مشاهده نشد. تنها موردی که یافت شد مقاله‌ای اشاره‌گونه به موضوع مدرسه دینی^۲ به طور عام بود. نتیجه جستجو در سایت‌های فارسی زبان بسیار کمتر از آثار مکتوب و در واقع بخش‌هایی از آنان بود.

دقت در نکات فوق ما را به این نکته رهنمون می‌کند که موضوع «تاریخ حوزه علمیه قم» به‌طورکلی، در آثار گذشته دارای پیشینه قابل توجهی نیست. آنجا که با وجود اهمیت فراوان قم در روایات، پس از تألیف کتاب تاریخ قم در سال ۳۷۸ق تا اوایل سده چهارده قمری، اثری در این زمینه پدید نیامده است،^۳ درباره تاریخ حوزه علمیه قم، به‌ویژه با نگرشی خاص مثل نگرش آموزشی و پژوهشی، چه انتظاری می‌توان داشت. آری، حوزه علمیه قم فاقد تاریخ مکتوب، منسجم و پیوسته است، چه رسد به تاریخی تحلیلی از علل و عوامل رونق و رکود آن تا بتوان در پرتوی آن از گذشته درس گرفت و با آگاهی و برنامه به استقبال آینده رفت. نگارنده با تمام بضاعت ناچیز علمی خود «سعی» می‌کند به این هدف «نزدیک» شود. با این بیان، نقطه تمایز نوشتار حاضر از سایر آثار تاریخی موجود آفتابی می‌شود.

۱. جعفریان (به کوشش)، برگ‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم، ص ۹.

2. Seminary

۳. ناصر الشریعة، تاریخ قم، ص ۲۱، مقدمه دوانی.

امید است در آینده‌ای نزدیک، مراکز پژوهشی و تاریخی حوزه علمیّه قم این طلسم ناخوشایند را بشکنند و به خلق آثار گرانشنگی در این زمینه نایل شوند و با تألیف آثار درخور ذائقه علاقه‌مندان را در این زمینه شیرین کنند. به راستی که جای اثری جامع، یکپارچه و علمی در این زمینه از رجال حوزوی و غیرحوزوی خالی است.

ناگفته نماند آثاری درباره سایر حوزه‌های علمیّه مانند «حوزه علمیّه کازرون»، «حوزه علمیّه قزوین»، «حوزه علمیّه بناب»، «حوزه علمیّه پاکستان»، «حوزه علمیّه نجف»، «حوزه علمیّه دزفول»، «حوزه علمیّه زنجان»، «حوزه علمیّه بندر عباس» و غیر آن نزدیک به همین عناوین وجود دارد که اساساً از موضوع پژوهش ما خارج‌اند.

باری، این تحقیق به شکلی مستند و تحلیلی موارد زیر را هدف قرار داده است:

- شرحی از پیشینه حوزه علمیّه قم و استخراج تاریخ تأسیس آن و بازگویی علل و عوامل این رخداد؛

- بیان دوران‌ها و مراحل مختلف آن از تأسیس تا عصر حاضر به شکل پیوسته و منسجم؛

- تحلیل کلی تاریخ حوزه و درس‌آموزی از آن به‌عنوان راهنما و سرمشق مدیریت آینده.

فصل دوم

شهر قم

همان گونه که گذشت، هدف کتاب آشنایی با تاریخ حوزه علمیه قم و بررسی تحولات آن از آغاز تاکنون است؛ ولی برای این منظور آشنایی کوتاه و اجمالی با شهر قم که جایگاه و خاستگاه حوزه علمیه قم است، می تواند به درک بهتر و عمیق تر ما از حوزه و تاریخ آن کمک کند.

پیشینه تاریخی شهر قم

قم، البته نه دقیقاً در محدوده کنونی، دارای قدمت تاریخی است و پیش از ظهور اسلام این شهر وجود داشته است. مستوفی بنای شهر قم را به تهمورث، سومین پادشاه پیشدادی،^۱ نسبت داده است.^۲ یعقوبی قم را از شهرهای تحت حکومت سلسله ساسانی نام برده است.^۳ دینوری نیز وجود این شهر را در عصر سلسله ساسانیان تأیید کرده است. وی می نویسد: «انوشیروان، کشور ایران را به چهار قسمت کرد و قم از شهرهای قسمت دوم بود».^۴ کاوش های باستان شناختی اخیر در محل تپه قمرود نشان داده است که شهر قم دارای قدمتی هفت هزار ساله است. آثار این

۱. مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۷.

۲. پیشدادیان آریایی نخستین سلسله فرمانروا در تاریخ اساطیری و حماسی ایران زمین بودند. در شاهنامه فردوسی از کیومرث به عنوان نخستین پادشاه پیشدادی یاد شده است. برخی نویسندگان وجود چنین سلسله ای را در تاریخ در حد افسانه می دانند.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۱۸.

۴. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۶۷.

حفاری‌ها در موزه ایران باستان و نیز موزه آستانه قم موجودند. در حفاری‌های جدید در تپه‌های قلی‌درویش در نزدیکی مسجد جمکران آثاری از کوره‌های عصر آهن با حدود ۳۰۰۰ سال پیش به دست آمده است که حضور اقوام ایرانی را در این منطقه به اثبات می‌رساند و مشخص می‌کند این شهر در گذشته در شرق محل فعلی بوده و در اثر تغییر مسیر قمرود، به سمت غرب کشیده شده است.^۱

قبل از اسلام، قم از چند قلعه تشکیل شده بود که در آنها یهودیان و زرتشتیان زندگی می‌کردند. اطلاع زیادی از وضعیت و موقعیت این شهر در آن زمان در دست نیست. به هر حال، مسلماً پس از ورود اشعریان در سال ۹۴ق^۲ به این شهر و انتخاب آن به عنوان محل سکنا، قم رو به ترقی نهاد و همواره به جمعیت و به تبع آن به وسعت آن افزوده شد، تا آنجا که به یکی از شهرهای مهم ایران تبدیل گردید.^۳ آبادانی قم ادامه داشت تا اینکه پس از ۲۸۰ سال آبادانی و ۱۸۰ سال استقلال سیاسی آن به دست اشعریان، در نیمه دوم سده چهارم شوکت ایشان از میان رفت. از این هنگام، قم رو به انحطاط و ویرانی نهاد. این انحطاط با قتل و غارت و ایجاد خرابی از سوی مغولان در اوایل سده هفتم و به احتمالی حمله امیر تیمور گورکان در دهه آخر سده هشتم افزایش یافت. با آنکه این شهر دوباره در دوران سلطنت صفویه احیا شد و رو به آبادانی و ترقی نهاد، با تاخت و تازهای افغان‌ها در سال‌های ۱۱۳۴-۱۳۴۲ق ویرانی آن به اوج خود رسید، به گونه‌ای که «یکی از سیاحان اروپایی به نام فرازر^۴ که یک قرن پس از حمله افغان‌ها از این شهر عبور کرده است، می‌نویسد: از شهر آباد قم، فقط توده خاکی بر جا مانده است»^۵ شهر قم از خرابی‌های ناشی از انقلاب‌های قبل از قاجاریه بی‌نصیب نبود و در پی آن به خرابی‌های قم افزوده شد.^۶

۱. ر.ک: سرلک، فرهنگ هفت هزار ساله شهر قم.

۲. حسن قمی، تاریخ قم، ص ۶۸۸.

۳. ر.ک: «قم و اشعریان» در همین فصل.

4. Fraser.

۵. ناصر الشریعة، تاریخ قم، ص ۸۹، مقدمه دوانی، به نقل از هانری رنه در کتاب از خراسان تا بختیاری.

۶. ناصر الشریعة، همان، ص ۱۴۲.

قم و اشعریان

تاریخ قم پس از ظهور اسلام کاملاً با تاریخ «اشعریان» گره خورده است. اشعریان در رشد و شکوفایی شهر قدیم قم نقش تأمی داشته‌اند.

اشعریان از قبایل قحطانی و مشهور یمن و از معدود قبایلی بودند که با میل و رغبت به اسلام گرویدند. ایشان در فتوحات اسلام، شرکت و از ارکان سپاه مسلمانان به شمار می‌آمدند. فتح منطقه جبل از جمله «قم» و نواحی اصفهان به دست ابوموسی اشعری در سال ۲۳ ق^۱ و فتح شمال ساوه تا مرز دیلم توسط مالک‌بن عامر اشعری از این فتوحات است.^۲ اشعریان پس از فتوحات اسلام، به کوفه رفتند و در آنجا مستقر شدند.

بنا به قرائن تاریخی، آنان روحیه ضدّ اموی شدیدی داشتند. مالک‌بن عامر دو فرزند به نام‌های سائب و سعد داشت. سائب‌بن مالک از شیوخ شیعه در کوفه بود. او پس از خروج مختار که به دفاع از خون امام حسین (علیه السلام) قیام کرده بود، به او پیوست و تا آخرین لحظات در کنار مختار باقی ماند تا به شهادت رسید. محمدبن سائب نیز به دست حجاج کشته شد. در ماجرای شورش عبدالرحمن بن محمدبن اشعث علیه حجاج، حاکم مروانی عراق، پنج فرزند از سعد به نام‌های عبدالله، احوص، عبدالرحمن، بکر و نعیم مشارکت داشتند.^۳

درباره علت و چگونگی هجرت اشعریان به قم اقوال مختلفی است. بنابر قولی، پس از قتل محمدبن سائب، حجاج‌بن یوسف به اشعریان سه روز مهلت داد تا کوفه را ترک کنند.^۴ بنابر قولی دیگر، حجاج پس از شکست عبدالرحمن بن محمدبن اشعث بر قومی (اشعریان و فرزندان سعدبن مالک) که در این شورش با او همراهی کردند سخت گرفت و زندگی را بر ایشان ناگوار و آنان را خوار و ذلیل ساخت. از این‌رو، عبدالله بن سعد با برادران خود و دیگر خدمتکاران از کوفه بیرون آمدند.^۵ بنابر قول سومی، احوص پسر سعد به دلیل بدرفتاری و سختگیری نسبت به دهقانان کوفه اسیر حجاج و زندانی او بود. لیکن پس از چهار سال، با وساطت برادرش عبدالله بزرگ خاندان سعد، آزاد شد.^۶ در این شرایط به دلیل ترس از دستگیری مجدد، ابتدا احوص همراه با برادران، اهل و عیال و بعضی از خدمتکارانش، و پس از آن برادرش عبدالله، کوفه را به

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۱۹.

۳. حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۵. همان، ص ۷۳۴ و ۷۳۵.

۲. حسن قمی، تاریخ قم، ص ۷۳۰.

۴. حسن قمی، تاریخ قم، ص ۷۲۸.

۶. همان، ص ۶۹۷-۶۹۹.

عزم یک منطقه امن ترک کردند. ایشان در ماه بصره،^۱ با یکدیگر تلاقی کردند. در آنجا برخی از آنان به وبا مبتلا و جان باختند. آنگاه به سوی مرکز ایران حرکت کردند.^۲

این انتخاب چندان اتفاقی نبوده است، بلکه همان گونه که پیش از این آمد، قم و اصفهان به دست ابوموسی اشعری و بلاد شمال ساوه به دست جدّ ایشان مالک بن عامر فتح شده بود. از زمان فتح اصفهان، گروهی از عموزادگان ایشان در آنجا ساکن شده بودند. در فتح سرزمین های شمال ساوه نیز، مالک با حمله به دیلمیان غارتگر، شماری از ساکنان قریه تخرود را از دست ایشان آزاد کرد. آنان پس از آزادی، در زمره خدمتکاران وی قرار گرفتند. خاندان مالک این واقعه تاریخی را از پدر و جدّ خود شنیده بودند.^۳ آنان با آگاهی از این موضوعات، به این منطقه آمدند تا به عموزادگان خود ملحق شوند و یا از آزادشدگان جدّشان یاری طلبند. احتمال قوی تر آن است که آنان با شناخت «أسلم المدن» و «أسلم المواضع» به سوی شهر قم حرکت کرده باشند. خاندان سعد با روایتی که امن ترین و آرام ترین مکان را «قصبه قم» معرفی کرده بود آشنا بودند.

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفَقِيهُ الْهَمْدَانِيُّ فِي كِتَابِ الْبُلْدَانِ إِنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ رَوَى أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ أَسْلَمِ الْمُدُنِ وَخَيْرِ الْمَوَاضِعِ عِنْدَ نُزُولِ الْفِتَنِ وَظُهُورِ السَّيْفِ فَقَالَ أَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ وَوَقَعَتِ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَطَبَرِستان وَخَرِبَتْ سِجِسْتَانُ فَأَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةُ قَمٍ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَأُمَّا وَجَدًا وَجَدَّةً وَعَمًّا وَعَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْرَاءَ بِهَا مَوْضِعٌ قَدِمَ جَبْرِئِيلَ وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي تَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ أَمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَمِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عُجِنَ الطِّينُ الَّذِي عَمِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَمِنْهُ يَغْتَسِلُ الرَّضَا عليه السلام وَمِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ يَخْرُجُ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ وَعَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛^۴ ابوموسی اشعری گوید: از امیرمؤمنان علی عليه السلام پرسیدم در هنگامه نزول فتنه ها و پیدایش جنگ، امن ترین سرزمین و بهترین مکان کجاست؟ آن حضرت پاسخ دادند: امن ترین مکان در این روزگار، سرزمین جبل (شامل منطقه قم) است. پس هنگامی که در

۱. «ماه البصره: الماه، بالهاء خالصه: قصبه البلد، و منه قيل ماه البصره و ماه الكوفه و ماه فارس، و يقال لنهاوند و همدان و قم ماه البصره؛ ماه به معنای شهر است و ماه البصره و ماه الكوفه و ماه فارس به همین معنا است. به نهاوند، همدان و قم ماه بصره گویند.»؛ الحموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۸ و ۴۹.

۲. حسن قمی، تاریخ قم، ص ۷۰۱ و ۷۰۲.

۳. همان، ص ۷۳۰ و ۷۳۱.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ش ۴۷.